مأخذ جزوهٔ کار و آموزش

۶-۱۲ مارس

گنج‌هایی درکلام خدا | ۱تواریخ ۲۳-۲۶

«سازماندهی فوق‌العاده برای پرستش یَهُوَه در معبد»

E-۲-it ص ۲۴۱

لاویان

داوود مسئولیت‌های لاویان را به صورتی فوق‌العاده سازماندهی کرد. نظارت برکار خانهٔ یَهُوَه به لاویان سپرده شد، همین‌طور آن‌ها داور، مأمور، خزانه‌دار و نگهبان دروازه‌ها بودند. بسیاری نیز وظیفهٔ کمک به کاهنان را به عهده داشتند. آن‌ها درصحن‌ها و اتاق‌های غذاخوری برای تقدیم قربانی و هدایا، طاهر ساختن، وزن کردن، اندازه‌گیری و وظایف مختلفِ نگهبانی، به کاهنان کمک می‌کردند. نوازندگان و خوانندگان نیز از میان لاویان انتخاب می‌شدند که مثل کاهنان، به ۲۴ گروه تقسیم شده بودند و به نوبت خدمت می‌کردند. برای تقسیم وظایف، قرعه انداخته می‌شد. گروه‌هایی که از دروازه‌ها نگهبانی می‌کردند، برای نگهبانی از هر دروازه قرعه می‌انداختند.—۱تو ۲۳، ۲۵، ۲۶؛ ۲تو ۳:۳۵-۵، ۱۰.

E-۲-it ص ۶۸۶

کاهن

خدمتِ کاهنان در معبد تحت نظارت مأمورانی سازماندهی می‌شد. برای واگذاری وظایف، قرعه کشیده می‌شد. کاهنان به ۲۴ گروه تقسیم شده بودند، هر گروه دو بار در سال برای یک هفته خدمت می‌کرد. ظاهراً در عیدهای مختلف که هزاران قربانی تقدیم می‌شد، تمامی کاهنان خدمت می‌کردند، مثل ایّام مراسم وقف معبد. (۱تو ۲۴:۱-۱۸، ۳۱؛ ۲تو ۱۱:۵؛ با ۲تو ۲۹:۳۱-۳۵؛ ۳۰:۲۳-۲۵؛ ۳۵:۱۰-۱۹ مقایسه شود.) البته، هر کاهن می‌توانست در زمان‌های دیگر هم خدمت کند، اما نباید در وظایف کاهنان دیگر که مشغول خدمتشان بودند، دخالت می‌کرد. رسوم خاخامی نشان می‌دهد که در زمان عیسی تعداد کاهنان زیاد بود، برای همین در هر خاندان تقسیمات دیگری نیز انجام شده بود و هر یک به نسبت تعدادشان یک روز در هفته یا بیشتر خدمت می‌کردند.

E-۲-it ص ۴۵۱-۴۵۲

نوازندگان و خوانندگان

داوود همزمان با آماده‌سازی تدارکات لازم برای معبد یَهُوَه، برای نواختن و خواندن سرود در معبد ۴۰۰۰ لاوی را انتخاب کرد. (۱تو ۴:۲۳، ۵) از بین این افراد «جمعاً ۲۸۸ نفر، آموزش دیده بودند که چگونه برای یَهُوَه بسرایند و در خواندن مهارت داشتند.» (۱تو ۷:۲۵) آساف، هیمان و یِدوتون (که ظاهراً ایتان هم خوانده شده) در موسیقی مهارت داشتند و تمامی ترتیبات برای این خدمت تحت رهبری آن‌ها قرارگرفت. در واقع این سه مرد به ترتیب از نوادگان جِرشوم، قُهات و مِراری سه پسر لاوی بودند و مسئولیت خواندن در خانهٔ یَهُوَه به آساف، هیمان و یِدتون و پسرانشان سپرده شده بود. (۱تو ۶:۱۶، ۳۱-۳۳، ۳۹-۴۴؛ ۲۵:۱-۶) این سه مرد جمعاً ۲۴ پسر داشتند، تمامی این پسران جزو ۲۸۸ نفری بودند که در موسیقی مهارت داشتند. به قیدِ قرعه هر یک از این پسران، سرپرست یکی از گروه‌های موسیقی شد. این سرپرستان از میان پسرانشان و دیگر لاویان، ۱۱ شخص دیگر را که مهارت داشتند، انتخاب می‌کردند، تا تحت رهبری آن‌ها فعالیت کنند. پس این ۲۸۸ لاوی (۲۸۸= [۱ + ۱۱] × ۲۴) که در موسیقی مهارت داشتند مثل کاهنان به ۲۴ گروه تقسیم شده بودند. به این ترتیب ۳۷۱۲ تازه‌کار باقی می‌ماند که اگر آن‌ها هم بین ۲۴ گروه تقسیم می‌شد حدوداً ۱۵۵ نفر دیگر به هر گروه اضافه می‌شد. پس برای آموزش آن‌ها هر شخص ماهر در هر گروه باید به ۱۳

نفر با درجات مختلف آموزش می‌داد. (۱تو ۱:۲۵-۳۱) درکنار لاویانی که وظیفهٔ خواندن و نواختن را به عهده داشتند، کاهنانی نیز شیپور می‌نواختند.—۲تو ۱۲:۵؛ با اعداد ۸:۱۰ مقایسه شود.

E-۱-it ص ۸۹۸

نگهبان دروازه‌ها

در معبد. داوود پادشاه کمی پیش از مرگش دقیقاً وظیفهٔ لاویان و کارگران معبد را سازماندهی کرد، از جمله ۴۰۰۰ نفر برای نگهبانی دروازه‌ها. نگهبانان به گروه‌هایی تقسیم‌بندی می‌شدند و هرگروه هر بار هفت روز نگهبانی می‌داد. وظیفهٔ پاسداری از خانهٔ یَهُوَه به آنان سپرده شده بود و وظیفهٔ باز و بسته کردن درها در زمان‌های تعیین‌شده با آن‌ها بود. (۱تو ۲۳:۹-۲۷؛ ۱:۲۳-۶) در کنار وظیفهٔ نگهبانی، بعضی از آن‌ها وظیفهٔ جمع‌آوری اعاناتی را داشتند که مردم برای معبد می‌آوردند. (۲پا ۹:۱۲؛ ۴:۲۲) بعدها زمانی که یِهویاداع، کاهن اعظم یِهوآش را به عنوان پادشاه برگزید، نگهبانانی خاص را برای محافظت از دروازه‌های معبد تعیین کرد تا پادشاه جوان را از غضبِ ملکهٔ عَتَلیا حفظ کنند. (۲پا ۴:۱۱-۸) همچنین زمانی که یوشیا آن سرزمین را از بت‌پرستی پاک کرد، نگهبانان دروازه‌ها همهٔ وسایلی را که برای پرستش بَعَل استفاده شده بود از معبد بیرون آوردند. آن وسایل خارج از شهر سوزانده شد.—۲پا ۴:۲۳.

گوهرهای روحانی

ب۰۳/۲۲ ص ۲۲ ¶۱۰

پرستش حقیقی و پاک شادی‌آورست

۱۰ **با سرود خواندن، یَهُوَه را پرستش می‌کنیم.** (مز ۷:۲۸) برای اسرائیلیان سرود خواندن بخش مهمی از پرستش بود. داوود پادشاه به ۲۸۸ لاوی مسئولیت داد که در معبد سرود بخوانند. (۱توا ۱:۲۵، ۶-۸) امروزه نیز خواندن سرودهای تمجید و ستایش راهی است برای ابراز عشق و محبتمان به یَهُوَه خدا. برای خواندن سرود در تمجید و ستایش یَهُوَه، لزوماً نباید خوانندهٔ خوبی باشیم. به این فکر کنید، همهٔ ما گاه موقع حرف زدن اشتباه می‌کنیم، اما این نکته باعث نمی‌شود که در جماعت یا در خدمت موعظه حرف نزنیم. (یعقو ۲:۳) پس اگر صدای خوبی نداریم، دلیلی نیست که در تمجید یَهُوَه سرود نخوانیم.

۱۹-۱۳ مارس

گنج‌هایی درکلام خدا | ۱تواریخ ۲۷-۲۹

«پند پرمهر پدری به پسرش»

ب۰۵ ۲/۱۵ ص ۱۹ ¶۹

شخصیت مسیحی خود را حفظ کنید

۹ حقایق کتاب مقدّس را با مطالعه و تحقیق به خود ثابت کنید. اگر حس تعلّق به یَهُوَه به عنوان خادم او بر اساس معرفت دقیق کتاب مقدّس نباشد، رفته‌رفته ضعیف خواهد شد. (فیلِپّیان ۹:۱، ۱۰) تمام مسیحیان اعم از سالخورده یا جوان باید به خود ثابت کنند که اعتقاداتشان بر اساس حقایق کتاب مقدّس می‌باشد. پولُس از هم‌ایمانان خود درخواست کرد: «همه چیز را تحقیق کنید، و به آنچه نیکو است متمسّک باشید.» (۱تَسالونیکیان ۲۱:۵) شما ای جوانانی که در یک خانوادهٔ خداترس و مسیحی بار آمده‌اید، باید به این واقعیت پی‌ببرید که تکیه کردن به ایمان والدین خود، نمی‌تواند شما را به یک مسیحی حقیقی مبدّل کند. داود، پدر سلیمان، به او گفت: «خدای پدر خود را بشناس و او را به دل کامل و به ارادت تمام عبادت نما.» (۱تواریخ ۹:۲۸) برای سلیمان جوان، تنها مشاهدهٔ اینکه چگونه پدرش بر ایمان خود نسبت به یَهُوَه می‌افزود، کافی نبود. او خود می‌بایست شخصاً یَهُوَه را می‌شناخت و این کار را نیز کرد. او با التماس و زاری به خدا دعا کرده گفت: «به من حکمت و معرفت ببخش تا بتوانم این مردم را اداره کنم.»—۲تواریخ ۱۰:۱، ترجمه تفسیری.

ب۱۲ ۴/۱۵ ص ۱۶ ¶۱۳

یَهُوَه را با دلی کامل خدمت کنید

۱۳ درسی که گرفتیم روشن و واضح است. حضور مرتب

در جلسات و خدمت موعظه بسیار قابل تحسین می‌باشد، اما یَهُوَه را با دلی کامل خدمت کردن فراتر از این است. (۲توا ۱:۲۵، ۲، ۲۷) اگر ‹با نگاه کردن به عقب›، در عمق دلمان خواسته‌ها و آرزوهای دنیوی را بپرورانیم، رابطهٔ دوستی ما با یَهُوَه به خطر می‌افتد. (لو ۳۲:۱۷) پس برای آن‌که یَهُوَه را با دلی کامل خدمت کنیم باید «از بدی بیزار» باشیم و «به آنچه نیکوست، سخت» بچسبیم. فقط در این صورت «شایستهٔ پادشاهی خدا» خواهیم بود. (روم ۹:۱۲؛ لو ۶۲:۹) حتی اگر چیزی در دنیای شیطان به نظر مفید یا خوب آید، نباید بگذاریم که آن چیز مانع شود خدا را با تمامی دل خدمت کنیم.—۲قر ۱۴:۱۱؛ **فیلیپیان ۱۳:۳، ۱۴ خوانده شود.**

ب۰۹/۱۷ ص ۳۲ ¶۲۰-۲۱

«دلیر باش و دست به کار شو!»

۲۰ داوود پادشاه به سلیمان یادآوری کرد که یَهُوَه خدا تا پایان بنای معبد با او خواهد بود. (۱توا ۲۰:۲۸) مسلّماً این سخنان داوود بر دل و ذهن پسرش تأثیرگذاشت و مانع این شد که سلیمان به دلیل جوانی و بی‌تجربگی دست از کار بکشد. او با دلیری و شجاعت بسیار دست به کار شد و با کمک یَهُوَه توانست بنای معبد را در مدت هفت‌سال‌ونیم به پایان برساند.

۲۱ همان طورکه یَهُوَه به سلیمان یاری رساند به ما نیز کمک خواهد کرد که دلیر و شجاع باشیم و کارهای مربوط به خانواده و جماعت را با موفقیت به پایان رسانیم. (اشع ۴۱: ۱۰، ۱۳) اگر در خدمت و پرستشمان به یَهُوَه خدا شجاعانه عمل کنیم، برکات فراوانی نصیب ما می‌شود، چه اکنون و چه در آینده. بنابراین، ‹دلیر باشید و دست به کار شوید!›

گوهرهای روحانی

ب۰۳/۱۷ ص ۲۹ ¶۶-۷

زمانی که دوستی‌تان در خطر است دوست باشید

داوود دوستان دیگری نیز داشت که در دوران سختی در کنار او بودند. یکی از آنان حوشای بود، کتاب مقدّس او را «دوست داوود» نامیده است. (۲سمو ۱۶:۱۶؛ ۱توا ۳۳:۲۷) احتمالاً او در دربار کار می‌کرد، دوست و همنشین پادشاه بود و گاه دستورات محرمانه را انجام می‌داد.

هنگامی که پسر داوود، اَبشالوم تاج و تخت داوود را غصب کرد، بسیاری از اسرائیلیان جانب اَبشالوم را گرفتند، اما حوشای چنین نکرد. زمانی که داوود گریخت، حوشای نزد او رفت. دل داوود عمیقاً به درد آمده بود که پسرش و دیگر کسانی که به آنان اطمینان داشت به او خیانت کرده بودند. اما حوشای به داوود وفادار ماند تا حدّی که حتی حاضر شد جانش را به خطر اندازد تا توطئه‌ای را خنثی کند. دلیل این‌که حوشای این مأموریت را پذیرفت انجام وظیفه نبود. او دوستی‌اش را با داوود به اثبات رساند.—۲سمو ۱۵: ۱۳-۱۷، ۳۲-۳۷؛ ۱۵:۱۶–۱۶:۱۷.

۲۰-۲۶ مارس

گنج‌هایی در کلام خدا | ۲تواریخ ۱-۴

«تصمیم نادرستِ سلیمان پادشاه»

it-E-۱ ص ۱۷۴ ¶۵

سپاه

با شروع حکمرانی سلیمان فصل جدیدی در تاریخ سپاه اسرائیل باز شد. در حکمرانی او به نسبت صلح برقرار بود، اما او اسب‌ها و ارابه‌های بسیاری خریداری کرد. (به «ارابه» رجوع شود.) اغلب اسب‌ها از مصر خریداری و وارد می‌شد. پس لازم بود در سراسر آن منطقه برای جای دادن و نگهداری از این تدارکات نظامی جدید شهرهایی ساخته شود. (۱پا ۲۶:۴؛ ۱۹:۹؛ ۲۶:۱۰، ۲۹؛ ۲تو ۱۴:۱-۱۷) البته یَهُوَه هرگز این عمل سلیمان را برکت نداد و با مرگ سلیمان و تقسیم پادشاهی، سپاه اسرائیل از هم پاشید. بعدها اِشَعْیا نیز چنین گفت: «وای بر کسانی که به مصر می‌روند و از آن‌ها درخواست کمک می‌کنند، کسانی که امیدشان به اسب‌هاست، امیدشان به ارابه‌های جنگی بی‌شمار و

به سوارکاران قدرتمند مصر است، ولی امید و توکّلشان به یَهُوَه خدای مقدّس اسرائیل نیست، و به دنبال هدایت او نیستند.»—اش ۱:۳۱.

E-۱-it ص ۴۲۷

ارابه

تا پیش از حکمرانی سلیمان تعداد ارابه‌های سپاه اسرائیل بسیار کم بود. دلیل آن بیش از هر چیز این هشدار خدا بود که پادشاه نباید اسب‌های زیادی برای خودش جمع کند، گویی امنیت قوم به آن بستگی داشت. این قانون تعداد ارابه‌ها را محدود می‌کرد، چون طبعاً برای استفاده از ارابه نیاز به اسب بود. (تث ۱۶:۱۷) وقتی سموئیل در مورد فشار پادشاهان به قوم اسرائیل، هشدار داد به این نکته اشاره کرد که پادشاه، ‹پسرانشان را برای ارابه‌های جنگی به خدمت می‌گیرد.› (۱سم ۱۱:۸) زمانی که اَبشالوم و اَدونیا می‌خواستند پادشاهی را از آن خود کنند، هر کدام ارابه‌ای برای خود تهیه کردند و ۵۰ نفر را اجیر کردند که جلوی آن‌ها بدوند. (۲سم ۱:۱۵؛ ۱پا ۵:۱) وقتی داوود، پادشاهِ صوبه را شکست داد، ۱۰۰ اسب را که برای ارابه از آن استفاده می‌شد نگه داشت.—۲سم ۳:۸، ۴؛ ۱۸:۱۰.

سلیمان پادشاه برای گسترش سپاه اسرائیل، تعداد ارابه‌ها را به ۱۴۰۰ رساند. (۱پا ۲۶:۱۰، ۲۹؛ ۲تو ۱۴:۱، ۱۷) علاوه بر اورشلیم، در شهرهای دیگری به نام «شهرهای ارابه» تجهیزات خاصّی برای نگهداری از تمامی این ابزارهای جنگی وجود داشت.—۱پا ۱۹:۹، ۲۲؛ ۲تو ۶:۸، ۹؛ ۲۵:۹.

گوهرهای روحانی

ب۰۵ ۱۲/۱ ص ۱۹ ¶۶

نکاتی از کتاب دوم تواریخ

۱۱:۱، ۱۲. تقاضای سلیمان پادشاه از یَهُوَه نشان می‌دهد که خواست قلبی او کسب حکمت و دانش بود. دعاهای ما نیز آنچه را در قلبمان می‌باشد آشکار می‌سازد. پس عاقلانه است محتوای دعاهایمان را بررسی کنیم.

۲۷ مارس–۲ آوریل

گنج‌هایی در کلام خدا | ۲تواریخ ۵-۷

«دلم همیشه در آنجا خواهد بود»

ب۰۲-E ۱۱/۱۵ ص ۵ ¶۱

«از گرد آمدن در جلسات کوتاهی نکنیم»

داوود در زمان پادشاهی‌اش در اورشلیم، از صمیم دل می‌خواست خانه‌ای ماندگار برای جلال یَهُوَه خدا بسازد. اما یَهُوَه به داوود گفت: «تو خیلی خون ریخته‌ای و جنگ‌های بزرگی کرده‌ای. تو برای نام من خانه‌ای نخواهی ساخت.» یَهُوَه سلیمان، پسر داوود را برای ساخت معبد انتخاب کرد. (۱تواریخ ۲۲:۶-۱۰) سلیمان بعد از هفت سال و نیم ساخت معبد را تمام کرد و افتتاح آن در سال ۱۰۲۶ ق.م. بود. یَهُوَه از ساخت معبد خشنود بود، چون گفت: «من این خانه را که تو ساختی، تقدیس کرده‌ام و نام من برای همیشه بر آن خواهد بود و چشمان من و دل من همیشه آنجا خواهد بود.» (۱پادشاهان ۳:۹) رضایت و خشنودی یَهُوَه از معبد بستگی به وفاداری و اطاعت اسرائیلیان داشت. اگر آنان از یَهُوَه نافرمانی می‌کردند آن عمارت برایش ارزشی نداشت. یَهُوَه خود گفت، اگر اسرائیلیان از او روی برگردانند آن خانه ‹به خرابه تبدیل می‌شود.›—۱پادشاهان ۴:۹-۹؛ ۲تواریخ ۱۶:۷، ۱۹، ۲۰.

E-۲-it ص ۱۰۷۷-۱۰۷۸

معبد

تاریخچهٔ معبد. سال ۶۰۷ ق.م. به فرمان نِبوکَدنَصَّر پادشاه بابِل، سپاه این کشور معبدی را که سلیمان ساخت نابود کرد. (۲پا ۹:۲۵؛ ۲تو ۱۹:۳۶؛ ار ۱۳:۵۲) یَهُوَه خدا به دلیل روی آوردن اسرائیلیان به پرستش کاذب اجازه داد که ملت‌های دیگر به یهودا و اورشلیم حمله کنند و حتی گاه خزانه‌های معبد را غارت کنند. در دوران‌هایی به معبد بی‌توجهی می‌شد. شیشَق، پادشاه مصر در سال ۹۹۳ ق.م. در دوران حکمرانی رِحُبعام، پسر سلیمان خزانه‌های معبد را با خود برد، یعنی فقط ۳۳ سال بعد از افتتاح آن. (۱پا

۲۵:۱۴، ۲۶؛ ۲تو ۹:۱۲) آسای پادشاه (۹۷۷-۹۳۷ ق.م.) برای خانهٔ یَهُوَه احترام عمیق قائل بود، اما برای حفظ اورشلیم ناعاقلانه عمل کرد. او به بِن‌هَدَد اول، پادشاه سوریه با نقره و طلای خزانهٔ معبد باج داد. چون می‌خواست بِن‌هَدَد پیمانی را که با بَعَشا پادشاه اسرائیل بسته بود، بشکند. —۱پا ۱۸:۱۵، ۱۹؛ ۲تو ۱۷:۱۵، ۱۸؛ ۲:۱۶، ۳.

گوهرهای روحانی

ب۱۱ ۱/۱ ص ۳۱ ¶۷
خدا از «دل» همهٔ انسان‌ها آگاه است

ما می‌توانیم از دعای سلیمان تسلّی و دلگرمی یابیم. اطرافیانمان شاید نتوانند به طور کامل احساسات درونی یعنی ‹غم و مصیبت› ما را درک کنند. (امثال ۱۰:۱۴) اما یَهُوَه از «دل» ما آگاه است و شدیداً به فکر ماست. وقتی سفرهٔ دلمان را پیش او می‌گشایم، بهتر می‌توانیم فشارها و سختی‌ها را متحمّل شویم. کتاب مقدّس چنین می‌گوید: «همهٔ نگرانیهای خود را به او بسپارید زیرا او به فکر شما هست.» —۱پِطرُس ۷:۵.

گفتار

ب۹۳-E ۲/۱ ص ۳۱
سؤالات خوانندگان

در صورتی که فرد مسیحی به دلیل بیماری یا سفری نتواند در مراسم یادبود شرکت کند، چه باید بکند؟ آیا باید یک ماه بعد این مراسم را برگزار کند؟ برای اسرائیلیان باستان، پِسَح هر ساله در چهاردهم اولین ماه سال، ماه نیسان (یا اَبیب) برگزار می‌شد. اما طبق اعداد ۱۰:۹، ۱۱ در مواردی خاص تدارکی برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود. در این آیات آمده: «به اسرائیلیان بگو، ‹اگر کسی از شما یا نسل‌های آینده‌تان با دست زدن به جسدی ناپاک شود یا در سفری دور باشد، باز هم باید قربانی پِسَح را برای یَهُوَه آماده کند. آن‌ها باید آن را در روز چهاردهم ماه دوم [ایار یا زیو] موقع عصر آماده کنند و گوشت قربانی را با نان فطیر و سبزیجات تلخ بخورند.›»

توجه کنید برای برگزاری عید پِسَح دو روز مختلف (۱۴ نیسان یا ۱۴ زیو) در نظر گرفته نشده بود. اسرائیلیان نمی‌توانستند بین این دو روز یکی را انتخاب کنند و هر روز که راحت‌تر بودند مراسم را برگزار کنند. برگزاری پِسَح در ماه دوم سال تنها در موارد استثنایی بود؛ یعنی برای اسرائیلیانی که به دلیل ناپاک بودن یا رفتن به سفری دور نمی‌توانستند در روز ۱۴ نیسان در آن مراسم شرکت کنند. تنها یک مورد در کتاب مقدّس آمده که اسرائیلیان پِسَح را در ماه دوم سال برگزار کردند. این گزارش مربوط به زمانی است که حِزقیا پادشاهِ وفادار برگزاری عید نان فطیر را دوباره زنده کرد. در آن زمان وقت کافی نبود که کاهنان برای مراسم آماده شوند و مردم در اورشلیم جمع شوند. برای همین روز چهاردهم ماه بعد پِسَح را برگزار کردند. —۲تواریخ ۱۷:۲۹؛ ۱:۳۰-۵.

غیر از این موارد استثنایی، یهودیان عید پِسَح را در همان روزی برگزار می‌کردند که یَهُوَه تعیین کرده بود. (خروج ۱۲: ۱۷-۲۰، ۴۱، ۴۲؛ لاویان ۵:۲۳) برای عیسی و شاگردانش برگزاری این مراسم در آن روز بسیار اهمیت داشت. لوقا در این زمینه نوشت: «نخستین روزِ عیدِ نانِ فطیر که باید قربانی پِسَح تقدیم شود، فرارسید. پس عیسی پِطرُس و یوحنا را مأمور کرد و به آنان گفت: ‹بروید و شام پِسَح را برایمان تدارک ببینید تا بخوریم.›» —لوقا ۷:۲۲، ۸.

در آن شب عیسی مراسم سالانه‌ای را پایه‌گذاری کرد که به مراسم شام سَرور معروف است. این مراسم و حضور در آن برای مسیحیان بسیار مهم است، در واقع برای شاهدان یَهُوَه مهم‌ترین رویداد در سال است. چرا؟ چون عیسی گفت: «این را پیوسته به یاد من به جا آورید.» (لوقا ۱۹:۲۲) پس هر شاهد یَهُوَه باید از ماه‌ها قبل برای حضور در این مراسم برنامه‌ریزی کند و آن شب را به این مراسم اختصاص دهد. با این حال ممکن است با وجود برنامه‌ریزی قبلی برادر یا خواهری، به دلیل اتفاقی غیرمنتظره نتواند در این مراسم شرکت کند، مثل بیماری یا مشکلاتی در سفر. در چنین شرایطی چه می‌توان کرد؟

در این مراسم نانِ بدون خمیرمایه (فطیر) و شراب قرمز دست‌به‌دست داده می‌شود. هرکس که با روح مقدّس خدا مسح‌شده و برای زندگی در آسمان انتخاب شده از نان و شراب می‌خورد. (مَتّی ۲۶:۲۶-۲۹؛ لوقا ۲۲:۲۸-۳۰) کسی که هر سال از نان و شراب می‌خورده اما در آن روز بیمار یا در بیمارستان است چطور؟ ترتیبی داده می‌شود که یکی از پیران نان و شراب تهیه کند و به دیدار او برود. آن پیر، در این دیدار در مورد آیات مربوط به این مراسم صحبت می‌کند و نان و شراب را به او می‌دهد. اگر مسح‌شده‌ای در سفر است باید ترتیبات لازم را بدهد تا در آن روز در جماعتی حضور داشته باشد.

پس تنها در شرایطی نادر و استثنایی مسیحی مسح‌شده می‌تواند مراسم یادبود مسیح را ۳۰ روز بعد (مطابق تقویم قمری) برگزارکند؛ همان طورکه برای اسرائیلیان طبق اعداد ۱۰:۹، ۱۱ و دوم تواریخ ۳۰:۱-۳، ۱۵ برگزاری پِسَح یک ماه بعد از روز تعیین شده ممکن بود.

«گوسفندان دیگر» عیسی که امید زندگی ابدی در بهشت روی زمین را دارند از نان و شراب نمی‌خورند. (یوحنا ۱۰:۱۶) با این حال حضور آن‌ها در این مراسم سالانه بسیار اهمیت دارد. پس اگر یکی از آن‌ها بیمار شود یا در سفر باشد و نتواند در آن شب در جماعتی حضور داشته باشد می‌تواند شخصاً آیات مربوطه از جمله آیاتی در مورد پایه‌گذاری این مراسم را بخواند. او می‌تواند در دعا برای این مراسم در سراسر دنیا برکت بخواهد. پس در این شرایط نیازی نیست که یک ماه بعد سخنرانی‌ای برای این منظور یا ترتیباتی خاص داده شود.

۱۶-۱۰ آوریل

گنج‌هایی درکلام خدا | ۲تواریخ ۸-۹

«حکمت برایش ارزشمند بود»

ب۹۹-E ۱۱/۱ ص ۲۰ ¶۴

سخاوتمندی فراوان

ملکهٔ سَبا وقت و انرژی زیادی صرف کرد تا سلیمان را ببیند. از قرار معلوم او در سرزمینی زندگی می‌کرد که امروزه جمهوری یمن است. پس ملکهٔ سَبا به همراه کاروانی از شتر برای سفر به اورشلیم بیشتر از ۱٬۶۰۰ کیلومتر راه را طی کرد. همان طورکه عیسی گفت: «او از آن سوی زمین آمد.» چرا ملکهٔ سَبا این همه تلاش کرد؟ چون در اصل آمده بود «تا حکمت سلیمان را بشنود.»—لوقا ۳۱:۱۱.

ب۹۹-E ۷/۱ ص ۳۰ ¶۴-۵

دیداری که برکت زیادی داشت

ملکهٔ سَبا «با گروهی بزرگ و با جلال و شکوه بسیار و کاروانی از شتران که بارشان روغن بَلَسان و مقدار زیادی طلا و سنگ‌های پرارزش بود، وارد اورشلیم شد.» (۱پادشاهان ۲:۱۰ الف) بعضی‌ها می‌گویند که یک سپاه مسلّح این گروه بزرگ را همراهی می‌کرد. این گفته قابل درک است، چون ملکه مقامی بالا داشت و با هدیه‌هایی که میلیون‌ها دلار ارزش داشت سفر می‌کرد.

اما این صرفاً یک سفر تجاری و سیاسی نبود، چون ملکهٔ سَبا شنیده بود که شهرت و آوازهٔ سلیمان ‹به دلیل نام یَهُوَه است.› از قرار معلوم، دلیل اصلی سفر ملکهٔ سَبا شنیدن حکمت سلیمان و شاید حتی آشنایی با یَهُوَه خدای او بود. ملکه احتمالاً از نوادگان حام یا سام بود که پرستندهٔ یَهُوَه بودند. برای همین شاید کنجکاو بود که در مورد اعتقادات جدّش بیشتر بداند.

ب۹۹-E ۷/۱ ص ۳۰-۳۱

دیداری که برکت زیادی داشت

وقتی ملکهٔ سَبا حکمت سلیمان و شکوه پادشاهی‌اش را دید، «روح در او باقی نماند.» (۱پادشاهان ۴:۱۰، ۵، پاورقی) بعضی می‌گویند که این عبارت به این معنی است که ملکه از شگفت‌زدگی نفسش بند آمد. حتی محققی می‌گوید که او احتمالاً غش کرد! در هر صورت ملکه از آنچه که دید و شنید خیلی شگفت‌زده شد و به سلیمان گفت: ‹خوشا به حال خدمتگزارانت که دائماً به حکمت تو گوش می‌دهند!› همین طور به یَهُوَه جلال داد که سلیمان را بر تخت پادشاهی نشانده است. ملکه هدیه‌های گرانقیمت

به سلیمان داد؛ برای مثال، ارزش طلاهایی که هدیه داد امروزه حدود ۴۰ میلیون دلار است. سلیمان هم به ملکه هدیه‌هایی داد و «هر چه را که او آرزو داشت و درخواست کرد هم به او داد.»—۱پادشاهان ۱۰:۶-۱۳.

E-۲-it ص ۹۹۰-۹۹۱

سلیمان

دیدن شکوه معبد و خانه‌ای که سلیمان ساخته بود، همچنین غذاهایی که بر سر سفره‌اش بود، شیوهٔ پذیرایی پیشخدمتان و لباس‌هایشان، ساقیان و قربانی‌های سوختنی‌ای که او مرتب در خانهٔ یَهُوَه تقدیم می‌کرد، ملکهٔ سَبا را «بسیار شگفت‌زده» کرد. پس به پادشاه گفت: ‹اخباری که دربارهٔ موفقیت‌ها و حکمت تو شنیده بودم، حقیقت داشت. اما حالا می‌بینم که حتی نصف آن‌ها هم به من گفته نشده بود. حکمت و رفاه تو خیلی بیشتر از آن است که شنیده بودم. خوشا به حال مردان تو، و خوشا به حال خدمتگزارانت.› ملکهٔ سَبا همچنین گفت: ‹حمد و ستایش بر یَهُوَه خدای تو باد که تو را بر تخت اسرائیل نشانده است. یَهُوَه چون اسرائیل را تا ابد دوست دارد، تو را پادشاه کرده است تا عدل و انصاف را به جا آوری.›—۱پا ۱۰:۴-۹؛ ۲تو ۹:۳-۸.

گوهرهای روحانی

E-۲-it ص ۱۰۹۷

تخت سلطنتی

جزئیاتی که در مورد تخت سلطنتی سلیمان در کتاب مقدّس آمده در مورد تخت سلطنتی پادشاه دیگری در اسرائیل نیامده است. (۱پا ۱۰:۱۸-۲۰؛ ۲تو ۹:۱۷-۱۹) سلیمان پادشاه تخت سلطنتی بزرگی از عاج ساخت و آن را با طلای خالص روکش کرد. این تخت شش پله داشت و سایبانی دایره‌ای شکل بالای آن بود. یک زیرپایی طلایی به تخت وصل بود و دو طرف تخت، دسته داشت و کنار هر دسته یک شیر بود. روی آن شش پله ۱۲ شیر قرار داشت، شش شیر در هر طرف. (۲تو ۹:۱۷-۱۹) شیر نماد قدرت و اقتدار حکمرانی است. (پید ۴۹:۹، ۱۰؛ مک ۵:۵) این ۱۲ شیر، مظهر ۱۲ قبیلهٔ اسرائیل است که احتمالاً بودن آن‌ها کنار تخت سلطنتی نشانهٔ اطاعت و حمایت این ۱۲ قبیله از پادشاه این تخت است. در هیچ یک از اکتشافات باستان‌شناسی مربوط به آن زمان تخت سلطنتی دیگری با این شکوه کشف نشده. این موضوع درستی گفتهٔ نویسندهٔ کتاب تواریخ را ثابت می‌کند که می‌گوید: «چنین تختی در هیچ پادشاهی دیگری، هرگز ساخته نشده بود.»—۲تو ۹:۱۹.

۲۳-۱۷ آوریل

گنج‌هایی در کلام خدا | ۲تواریخ ۱۰-۱۲

«از پند حکیمانه فایده ببرید»

ب۰۶/۱۸ ص ۱۳ ¶ ۳

او می‌توانست یَهُوَه را خشنود سازد

رِحُبعام باید تصمیم بزرگی می‌گرفت. اگر او می‌خواست طبق خواست مردم عمل کند باید از برخی منافع خود، خانواده و درباریانش چشم‌پوشی می‌کرد. از طرفی دیگر، اگر درخواست مردم را رد می‌کرد، ممکن بود مردم بر علیه او شورش کنند. رِحُبعام ابتدا با مشایخی که از مشاوران پدرش سلیمان بودند مشورت کرد و از آنان توصیه گرفت. اما بعد از آن با جوانانی که با او بزرگ شده بودند مشورت کرد. او تصمیم گرفت به توصیهٔ آن مردان جوان عمل کند و اسرائیلیان را مورد ظلم و ستم قرار دهد. بنابراین به آنان گفت: «پدرم یوغ شما را سنگین ساخت، اما من بر یوغ شما خواهم افزود. پدرم شما را به تازیانه‌ها تأدیب می‌کرد، اما من به عقربها تأدیبتان خواهم کرد.»—۲توا ۱۰:۶-۱۴.

ب۰۱ ۹/۱ ص ۲۸-۲۹

چطور تصمیمی درست بگیریم؟

در جماعت، مسیحیان باتجربه و بالغی هستند که می‌توانیم در مورد تصمیماتمان با آن‌ها مشورت کنیم.

(اِفِسُسیان ۱۱:۴، ۱۲) ما نباید مثل کسانی باشیم که با افراد مختلف مشورت می‌کنند تا بالاخره جواب دلخواهشان را از یک نفر بشنوند و به پند او عمل کنند. در این مورد می‌توانیم از نحوهٔ تصمیم‌گیری رِحُبعام درس عبرت بگیریم. او باید تصمیمی مهم می‌گرفت. رِحُبعامِ پادشاه با ریش‌سفیدانی مشورت کرد که وقتی پدرش زنده بود، به او خدمت می‌کردند. اما او پند آنها را نادیده گرفت و با مردان جوانی مشورت کرد که با او بزرگ شده بودند. او به پند آن‌ها گوش کرد، نه به پند ریش‌سفیدان. رِحُبعام تصمیمی نادرست گرفت. در نتیجه، بخش بزرگی از قلمرو حکومتش را از دست داد.—۱پادشاهان ۱۲:۱-۱۷.

پس با کسانی مشورت کنید که باتجربه‌اند، شناخت خوبی از کلام خدا دارند و برای اصول یَهُوَه ارزش و احترام قائلند. (امثال ۵:۱؛ ۱۴:۱۱؛ ۲۰:۱۳) تا جای ممکن برای تصمیم‌گیری وقت بگذارید. به اصولی که در تصمیم‌گیری کمکتان می‌کند و اطلاعاتی که در این زمینه جمع کرده‌اید فکر کنید. با بررسی کلام خدا احتمالاً متوجه می‌شوید چه تصمیمی درست است.—فیلیپیان ۴:۶، ۷.

E-2-it ص ۷۶۸ ¶۱

رِحُبعام

غرور و تکبّر رِحُبعام باعث شد که اکثر مردم از او رانده شوند. تنها طایفه‌هایی که از او حمایت کردند یهودا و بنیامین بودند. کاهنان و لاویان تمام سرزمین اسرائیل و عدهٔ کمی از ده طایفهٔ دیگر هم از او حمایت کردند.—۱پا ۱۲:۱۶، ۱۷؛ ۲تو ۱۰:۱۶، ۱۷؛ ۱۱:۱۳، ۱۴، ۱۶.

گوهرهای روحانی

E-1-it ص ۹۶۶-۹۶۷

دیوهای بُزمانند

یوشَع ۲۴:۱۴ نشان می‌دهد که اسرائیلیان در مصر تا حدّی تحت تأثیر پرستش کاذب قرارگرفته بودند. حِزقیال هم اشاره کرد که آن‌ها بعد از سال‌های سال هنوز به این اعمال مشرکانه آلوده بودند. (حز ۸:۲۳، ۲۱) به همین دلیل بعضی از محققان می‌گویند که یَهُوَه به اسرائیلیان در بیابان فرمان داد که «دیگر نباید به دیوهای بُزنما قربانی تقدیم کنند.» (لا ۱۷:۱-۷) همچنین درکتاب مقدّس آمده: «یِرُبعام، کاهنان خود را برای مکان‌های بلند پرستش و برای پرستش دیوهای بُزمانند و گوساله‌هایی که ساخته بود، تعیین کرد.» (۲تو ۱۱:۱۵) این نشان می‌دهد که پرستش بز در میان اسرائیلیان به شیوهٔ مصریان مرسوم بود. تاریخ نگاری به نام هرودوت ادعا کرده که یونانیان اعتقاد به اسطوره‌هایشان به نام پَن و ساتیرها را از همین پرستش کاذب مصریان گرفته بودند. این اسطوره‌ها شاخ داشتند و دم و پایشان شبیه بز بود. بعضی معتقدند مسیحیان قرون وسطی از روی همین اسطوره‌ها که نصف بدنشان شبیه حیوان است از شیطان تصویر می‌ساختند؛ تصویری که شاخ، دم و پاهای سم‌مانند داشت.

واژهٔ «بز» در آیات بالا احتمالاً به مفهوم انزجار و تنفر از هر شیءای است که به عنوان بت استفاده شود. کلمه‌ای که در بسیاری از آیات برای بت به کار رفته، در عبری با کلمهٔ «مدفوع» ارتباط دارد، اما به این معنی نیست که بت‌ها از مدفوع ساخته شده بودند.—لا ۳۰:۲۶؛ تث ۱۷:۲۹.

۳۰-۲۴ آوریل

گنج‌هایی درکلام خدا | ۲تواریخ ۱۳-۱۶

همیشه به یَهُوَه توکّل کنید

ب۰۳/۲۱ ص ۵ ¶۱۲

شما برادران جوان چگونه می‌توانید اعتماد دیگران را جلب کنید؟

۱۳ آسا، پادشاهی جوان، فروتن و شجاع بود. برای مثال، وقتی او جانشین پدرش اَبیّا شد، تمام سرزمین را از بت‌ها پاکسازی کرد. او همچنین «به یهودا فرمان داد تا یهوه خدای پدرانشان را بجویند، و شریعت و فرامین او را نگاه دارند.» (۲تو ۱۴:۱-۷) به علاوه، وقتی زِراحِ حبشی با ۱,۰۰۰,۰۰۰ سرباز قصد حمله به یهودا را داشت، آسا به یَهُوَه

چنین گفت: «ای خداوند، هیچ‌کس چون تو نیست که به ناتوانان در برابر زورمندان یاری رساند. پس ای یهوه خدای ما، یاری‌مان ده زیرا که بر تو توکل داریم.» این عبارات دلنشین نشان می‌دهد که آسا ایمانی قوی به یَهُوَه داشت و اطمینان داشت که او می‌تواند آنان را نجات دهد. بله، آسا به یَهُوَه اعتماد کرد و یَهُوَه «حَبَشیان را . . . شکست داد.» —۲تواریخ ۱۴:۸-۱۲.

ب۰۳/۲۱ ص ۵ ¶۱۳

شما برادران جوان چگونه می‌توانید اعتماد دیگران را جلب کنید؟

۱۳ بی‌شک، رویارویی با ۱,۰۰۰,۰۰۰ سرباز، مشکل بسیار بزرگی بود؛ با این حال، آسا با تکیه بر یَهُوَه بر آن غلبه کرد. اما متأسفانه وقتی او با مشکل کوچک‌تری روبرو شد، به یَهُوَه تکیه نکرد. زمانی که بَعَشا، پادشاه شریر اسرائیل قصد حمله به یهودا را داشت، آسا به جای تکیه بر یَهُوَه، از پادشاه اَرام کمک خواست. این تصمیم عواقب بدی به همراه داشت! یَهُوَه از طریق نبی خود حَنانی، دلیل آن را به آسا چنین گفت: «تو بر پادشاه اَرام توکل کردی و نه بر یهوه خدایت.» آسا از آن زمان به بعد، مدام در حال جنگ بود. (۲تواریخ ۷:۱۶، ۹؛ ۱پادشاهان ۳۲:۱۵) شما از این گزارش چه می‌آموزید؟

ب۰۳/۲۱ ص ۵ ¶۱۴

شما برادران جوان چگونه می‌توانید اعتماد دیگران را جلب کنید؟

۱۴ فروتن بمانید و همچنان به یَهُوَه تکیه کنید. شما در زمان تعمیدتان نشان دادید که به یَهُوَه ایمان و اعتماد دارید. یَهُوَه نیز با رضایت‌خاطر این افتخار را به شما داد که به خانوادهٔ جهانی‌اش بپیوندید. آنچه اکنون اهمیت دارد این است که همچنان به یَهُوَه تکیه کنید. شاید هنگام تصمیم‌گیری‌های بسیار مهم در زندگی، تکیه کردن به یَهُوَه برایتان آسان باشد. اما در مواقع دیگر چطور؟ بسیار اهمیت دارد که هنگام تصمیم‌گیری دربارهٔ اموری همچون تفریحات، شغل و اهدافتان نیز به یَهُوَه تکیه کنید. هرگز بر حکمت خود تکیه نکنید؛ بلکه اصولی ازکتاب مقدّس را که مربوط به شرایطتان است بیابید و مطابق آن عمل کنید. (امث ۵:۳، ۶) به این شکل، هم یَهُوَه را خشنود می‌کنید و هم مورد احترام و اعتماد مبشّران جماعت قرار می‌گیرید.

—۱تیموتائوس ۱۲:۴ خوانده شود.

گوهرهای روحانی

ب۰۳/۱۷ ص ۱۹-۲۰ ¶۷

یَهُوَه را با دلی کامل خدمت کنید

۷ ما می‌خواهیم که دلمان با یَهُوَه خدا کامل و به تمامی وقف او باشد، از این رو لازم است دل خود را محک زنیم. بجاست از خود بپرسیم: ‹آیا مصمم هستم که یَهُوَه را خشنود سازم، از پرستش حقیقی دفاع کنم و در پاک نگاه داشتن جماعتِ او سهم خود را ایفا کنم؟› به شهامت آسا در مقابل مَعَکاه بیندیشید که نقش ملکهٔ مادر را در آن سرزمین داشت. به احتمال قوی شما کسی را نمی‌شناسید که اعمالی همچون او مرتکب شده باشد، اما باز هم شرایطی در زندگی پیش می‌آید که می‌توانید همچون آسا جانب پرستش پاک را بگیرید. برای مثال، اگر یکی از اعضای خانواده یا دوستان نزدیکتان گناهی مرتکب شود و توبه نکند و اخراج شود، چه می‌کنید؟ آیا مصمم هستید که با او معاشرت نکنید؟ دلتان شما را به چه کاری برمی‌انگیزد؟

© 2022 Watch Tower Bible and Tract Society of Pennsylvania